

تاریخچه و سیر اجمالی «علم رجال الحدیث»

اثر: دکتر علی اصغر باستانی

از: دانشگاه تهران

چکیده

یکی از نتایج عدم کتابت حدیث - پس از رحلت پیامبر اکرم «ص» - این بود که حدیث‌های ساختگی و جعلی شیوع یافت، زیرا هنگامیکه احادیث نوشته نشد کمتر توانستند برای آن حدّ و مرزی قائل شوند، و چنانکه مشهور است در ابتدا «سند» نیز مورد نظر نبود، لذا خبرگان فن ناگزیر احادیث را دسته‌بندی کردند و عناوین: «مسند و مرسل، معروف و منکر، مردود و متروک، متفق و مفترق، مؤتلف و مختلف» و غیره را بر آن‌ها نهادند. و نیز طریق بهتری که برای تمیز احادیث صحیح و سقیم به نظرشان رسید، تحقیق دربارهٔ راویان حدیث بود که با تکیه بر میزان عدالت، صداقت، امانت، علم و اخلاص آنان، بتوان احادیث مستند و صحیح را از مجعولات مخالفان و مغرضان بازشناخت، و بدین طریق «علم رجال» بوجود آمد. تکیه بر شناخت رجال حدیث، شاید بهترین راه تشخیص احادیث صحیح و تمیز انواع حدیث باشد.

این علم از دیرباز، یعنی از نخستین قرنهای طلوع اسلام، مورد توجه مسلمین قرار داشته و به تدریج با افزایش نیازی که بدان احساس می‌شده، دامنه آن گسترش یافته است.

اگر دائرة علم رجال را تا شرح حال نویسی (رشته تراجم) توسعه دهیم، سابقه این علم به نیمه اول قرن نخستین می‌رسد، زیرا حدود سال چهل هجری^۱ عبیدالله بن ابی رافع، کاتب امیرالمؤمنین علی «ع» نام آن عده از اصحاب رسول اکرم «ص» را که در جنگهای علی «ع» شرکت داشته و به همراهی آن حضرت جنگیده‌اند، در کتابی گردآورد و ظاهراً وی نخستین کسی بود که در رجال، کتاب نوشت. شیخ طوسی در «الفهرست» از این کتاب به نام «تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین «ع» الجمل و صفین و النهروان من اصحاب رسول الله «ص» یاد کرده و سند خود را بدان ذکر نموده است.

در قرن سوم هجری بر اثر شیوع کتب حدیث و رواج «اصول» و «مصنفات» این علم، فن رجال نیز بالتبع رونق گرفت و کتب بالنسبه زیادی در این فن تدوین و تألیف شد که برخی از آنها تاکنون موجود است و از آثار گرانبهای شیعه در این علم به شمار می‌رود. از آن جمله است: کتاب «طبقات الرجال» تألیف احمد بن ابی عبدالله برقی^۲ که نسخه ناقصی از آن تاکنون باقی است، و کتاب ابو محمد عبدالله بن جبلة بن حیّان بن أبجر الکنانی، (متوفایه سال ۲۱۹ ق)^۳ که شیخ طوسی در کتاب رجال او را از اصحاب امام کاظم شمرده و نجاشی کتب متعددی از جمله کتابی در رجال را بدو نسبت داده است.

ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۷۷۳-۸۵۲ ق) در مقدمه «الاصابة» گوید: اولین کسی که زندگینامه راویان حدیث را جمع‌آوری نموده، ابو عبدالله بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ ق) بود؛ و همو در «تقریب» و نیز

جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) در کتاب «الاول» شعبه بن حجاج، ابوسطام واسطی (م ۲۶۰ ق) را بنیانگذار این علم شمرده‌اند.

اقسام آن

در گذشته میان خبرشناسی (درایة‌الحديث) و راوی شناسی (علم رجال‌الحديث) و فهرست نگاری (کتابشناسی) رابطه تنگاتنگی وجود داشته، و در هر کدام، از مسائل دیگری نیز بحث می شده است، و روش آنها با شرح حال نویسی و فهرست نگاری امروزه کاملاً متفاوت می باشد.

قدما زندگینامه راویان را برای شناخت عقیده و میزان ایمان آنها نیاز داشتند. و در فهرست نگاری فقط سلسله سند روایت کتابها را می آوردند، و برخی از ایشان برای آنکه خبرهای بظاهر «ضعیف» و «مجهول» را شناخته و قابل پذیرش سازند به تهیه زندگینامه راویان می پرداختند^۴ لذا بهتر است آنها را بجای «شرح حال نویسی» «راوی شناسی» بنامیم.

کسانی را که در این رشته از تاریخ مذهبی کار کرده‌اند می توان به چند دسته تقسیم نمود:

- الف. کسانی که در کتابشناسی کار کرده‌اند.
- ب. کسانی که زندگینامه راویان «ثقه» را جمع آوری کرده‌اند.
- ج. کسانی که زندگینامه «وضاعین» و «مجاهیل» را جمع آوری نموده‌اند.
- د. کسانی که زندگینامه راویان یک یا چند کتاب ویژه را جمع آوری کرده‌اند.
- ه. کسانی که کنیه‌ها یا لقبها و نسبتها را جمع آوری نموده‌اند.
- و. کسانی که بدون تقسیم بندی خاصی از همه راویان سخن گفته‌اند که آوردن فهرست کوتاهی از مشهورترین آنها سودمند بنظر می رسد:

تاریخ یا رجال

در اینجا باید یادآور شد که علمای رجال شیعه، در قرن پنجم و ششم هجری کتابهایی را که درباره زندگی‌نامه راویان شیعه بود «رجال» می‌نامیدند و کتابهایی که درباره همه راویان (شیعه و سنی) بود «تاریخ»^۵. ولی ما در اینجا با این دو اصطلاح کاری نداریم و نام چندین تن از مشهورترین راوی شناسان و شرح حال نویسان شیعه و سنی را بترتیب تاریخ می‌آوریم:

- عبیدالله بن ابی رافع، کاتب امیرالمؤمنین علی «ع» کتابی بنام «تسمیه من شهد الجمل و صفین و النهروان» داشته است. (فهرست طوسی - ص ۱۰۷)
- ابن اسحاق، ابو عبدالله، یا ابوبکر، محمد بن اسحاق بن یسار (م ۱۵۱ ق) کتابش مدرک «استیعاب» است.
- عبدالله بن جبلة بن حیّان بن أبجر الکنانی (م ۲۱۹ ق) کتاب رجال داشته است (نجاشی ص ۲۱۶).
- یقطینی، محمد بن عیسی بن عبیدالله بن یقطین، کتاب رجال داشته است (نجاشی ص ۳۳۳). حجة الاسلام شفتی یک کتابچه در شرح حال این مرد بزرگ تألیف کرده است.
- ابن المدینی، علی بن عبدالله (۱۶۲-۲۳۴ ق) تاریخی در ده جلد دارد.
- علی بن حسن بن علی بن فضال فطحی، کتاب رجال داشته است (نجاشی ص ۲۵۸).
- خلیفة بن الخیاط (م ۲۴۰ ق) کتابش مدرک «استیعاب» است.
- بخاری، محمد بن اسماعیل بن مغیره (م ۲۵۶ ق) سه کتاب دارد: «تاریخ کبیر» بترتیب الفباء، در هشت جلد که بسالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۴ ق در حیدرآباد چاپ شده، و تاریخ متوسط و تاریخ صغیر.
- مسلم بن حجاج (م ۲۶۱ ق) نیز «طبقات» دارد.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴ ق) «طبقات الرجال» او در

کتابخانه‌های تهرانی سامره، و صدر بغداد، و سید جلال‌الدین محدث ارموی در تهران موجود است. (الذریعه ج ۱۰ ص ۹۹)

● عیاشی سمرقندی، محمدبن مسعودبن عیاش - معاصر باکلینی متوفای ۳۲۹ ق - «معرفة الناقلين» داشته است. (نجاشی ص ۳۵۲).

● رواجنی، عبّادبن یعقوب، صاحب کتاب «المعرفة فی معرفة الصحابة» است. (فهرست طوسی ص ۱۱۹، و خلاصة و منتهی المقال و دیگران).

● نرماشیری، ابوالحسین، یحیی بن زکریّا، صاحب کتاب «منازل الصحابة» است (نجاشی ص ۴۴۲).

● محمدبن احمد بن نُعیم بن شاذان نیشابوری، معروف به ابو عبدالله شاذانی کتاب «التراجم» را تألیف نموده است.

● حسن بن محبوب (م ۲۲۴ ق) که کتابهای «المشیخه» (فهرست طوسی ص ۴۷) و «معرفة رواة الاخبار» (توضیح المقال ص ۶۵) را به رشته تحریر درآورده است.

● احمدبن حسین بن عبدالملک ازدی کوفی، کتاب مشیخه را بترتیب الفباء مرتب کرده است (فهرست طوسی ص ۲۳ و نجاشی ص ۸۰).

● محاربی، محمدبن حسن بن علی، کتاب رجال داشته است. (نجاشی ص ۳۵۰)

● ابن سعد، محمد ازهری بصری، کاتب واقدی (م ۲۳۰ ق) طبقات او در پانزده جلد چاپ شده و سیوطی (م ۹۱۱ ق) آن را خلاصه نموده است.

● واقدی، محمدبن عمر، استاد ابن سعد، کتابش مدرک «استیعاب» است.

● دُبَیْلِی، محمدبن وَهْبَان «من روی عن امیر المؤمنین «ع»» را تألیف کرده است (نجاشی ص ۳۹۶ و غیره).

● ابوالقاسم بلخی، نصر بن صَبّاح، صاحب کتابهای «معرفة الناقلين» و «فرق الشيعة» است. (نجاشی ص ۴۲۸ و غیره).

- ابن ابی خَیْثَمَةَ، احمد بن زهیر (م ۲۷۹ ق) کتابش مدرک «استیعاب» بوده است.
- عقیقی، احمد بن علی بن محمد (م ۲۸۰ ق) «تاریخ الرجال» داشته است. (نجاشی ص ۸۱ و ابن شهر آشوب و فهرست طوسی ص ۲۴).
- مُطَیِّن، محمد بن عبدالله بن سلیمان حَضْرَمِی (م ۲۰۲-۲۹۷ ق) کتابش مدرک «الاصابة» است.
- عقیقی، علی بن احمد مذکور (زنده ۲۹۸ ق) صاحب کتاب «الرجال» است. (فهرست طوسی ص ۹۷ و خلاصه علامه و توضیح المقال ص ۶۱)
- ابن خُرَّم هِرَوِی، حسین بن ادریس بن خُرَّم انصاری (م ۳۰۱ ق) کتابی نظیر تاریخ کبیر بخاری دارد.
- طبری، ابوجعفر، محمد بن جریر (م ۳۱۰ ق) کتابش مدرک «استیعاب» است.
- حُمید بن زیاد نینوایی دهقان، (م ۳۱۰ ق) «تاریخ الرجال» و «من روی عن الصادق (ع)» داشته است (نجاشی ص ۱۳۲).
- دولابی، احمد بن محمد (م ۲۲۴-۳۱۰ ق) کتاب «الکنی والاسماء» وی در دو بخش در حیدرآباد بسال ۱۳۲۳ ق چاپ شده است و «المولد والوفات» نیز دارد.
- عبدالعزیز بن اسحاق، ابوالقاسم، زیدی (زنده ۳۲۶ ق) «طبقات الشیعة» دارد (فهرست طوسی ص ۱۱۹ و غیره).
- کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق) رجال داشته است (نجاشی ص ۳۷۷).
- جَلُودِی، عبدالعزیز بن یحیی (م ۳۳۲ ق) «اخبار المحدثین» از تألیفات اوست و کتابهای دیگر نیز در این زمینه دارد (نجاشی ص ۲۴۴-۲۴۰ و غیره).
- مسعودی، علی بن حسین، صاحب «مروج الذهب» (م ۳۴۶ ق) مؤلف کتاب «الفهرست» است (نجاشی ص ۲۵۴ و غیره).
- عیسی بن مهران «کتاب المحدثین» داشته است (فهرست طوسی ص ۱۱۶ و نجاشی ص ۲۹۷).

- ابن بَطَّه، محمد بن جعفر مؤدب قمی «الفهرست» داشته که نجاشی و طوسی از آن نقل می‌کنند ولی در زندگینامه‌اش در نجاشی (ص ۳-۳۷۲) نیامده است.
- محمد بن عبدالله بن مهران کرخی کتاب «الممدوحین و المذمومین» داشته است (نجاشی ص ۳۵۰ و ابن غضائری و غیره).
- ابن عقده همدانی، احمد بن محمد بن سعید (۲۴۹-۳۳۳ ق) شرح حال حدود چهارهزار تن از شاگردان امام صادق «ع» را جمع‌آوری کرده است (مشیخة صاحب ذریعه ص ۷۵) او زیدی مذهب است و چند کتاب در زندگینامه دارد (فهرست طوسی ص ۲۸ و نجاشی ص ۹۵-۹۴). می‌گویند برخی از بخشهای کتابش تاکنون در کتابخانه ملی یمن موجود می‌باشد.
- ابوسلیمان محمد بن عبدالله تاریخ وفات راویان را تا سال ۳۳۸ ق جمع‌آوری کرده است.
- محمد بن احمد اشعری «مناقب الرجال» داشته است (فهرست طوسی ص ۱۴۴).
- سعد بن عبدالله اشعری کتابهای «مناقب رواة الحدیث» و «مثالب رواة الحدیث» از تألیفات اوست (فهرست طوسی ص ۷۵ و نجاشی ص ۱۷۷).
- طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب (۲۶۰-۳۴۰ ق) کتابش مدرک «اصابة» ابن حجر است.
- ابن ولید قمی، محمد بن حسن بن ولید (م ۳۴۳ ق) کتاب «فهرست» تألیف کرده است که نجاشی از آن نقل می‌کند.
- احمد بن محمد بن عمّار کوفی (م ۳۴۶ ق) «ممدوحین و مذمومین» نگاشته است (نجاشی ص ۹۵).
- ابن زبیر، علی بن محمد بن زبیر قرشی (۲۵۴-۳۴۸ ق) کتاب «رجال» تألیف کرده است (مشیخة صاحب ذریعه ص ۸۰).
- ابن سکن، سعید بن عثمان (۲۹۴-۳۵۳ ق) کتابش مدرک ابن عبدالبرّ در

«استیعاب» است.

● ابن حِبَّان، ابوحاتم، محمد (۲۷۰-۳۵۴ ق) کتاب «اوهام اصحاب التواریخ» در ده جلد دارد.

● قاضی جَعَابی، محمد بن عمر (م ۳۵۵ ق) کتاب «الشیعة من اصحاب الحدیث» را نوشته است (مشیخة صاحب ذریعه ص ۷۷ و نجاشی ص ۳۹۵).

● کشی، ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبدالعزیز کتاب «معرفة الناقلین» را تألیف نموده که شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) آن را خلاصه کرده و «اختیار الرجال» نامیده است.

● محمد بن احمد بن داود قمی (م ۳۶۸ ق) «ممدوحین و مذمومین» را تألیف کرده است (فهرست طوسی ص ۱۳۶ و خلاصه، بنقل از نجاشی).

● ابو غالب زُراری، احمد بن محمد بن سلیمان (م ۳۶۸ ق) کتابی درباره خاندان اَعْنین تألیف کرده که موجود است (فهرست طوسی ص ۳۱ و توضیح المقال ص ۶۵ و ذریعه ج ۱، ص ۱۴۳).

● صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۳۰۵-۳۸۱ ق) «المصابیح» نوشته؛ (نجاشی ص ۳۹۱-۳۹۰) که اکنون موجود نیست.

● ابن شاهین، عمر بن احمد (۲۹۱-۳۸۵ ق) کتابش مدرک «اصابه» است.

● ابن ندیم محمد بن اسحق (۳۸۵ ق) کتاب «الفهرست» - چاپ فولوگل در لایپزیک بسال ۱۸۷۱ م و مصر ۱۳۴۸ ق - از تألیفات اوست.

● ابن منّده، ابو عبدالله، محمد بن اسحاق بن محمد (۳۱۰-۳۹۵ ق) کتابش یکی از پایه‌های راوی شناسی اهل تسنن، می‌باشد.

● ابن عَبْدُون، معروف بابن حاشر، احمد بن عبدالواحد بزاز (م ۴۲۳ ق) «فهرست» داشته است (مشیخة صاحب ذریعه ص ۸۰).

● ابوتعمیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) «حلیة الاولیاء» دارد که در ۱۰ بخش بسال ۱۹۳۲ م در مصر چاپ شده است.

- محمد بن علی بن ابی قُرّة قُنائی - همدوره نجاشی (م ۴۵۰ ق) - «معجم رجال ابی المفضل» را تألیف کرده است (نجاشی ص ۳۸۹).
- ابوالعباس سیرافی، احمد بن علی، استاد نجاشی «المصابیح» دارد که در آن راویان هر یک از ائمه علیهم السلام را جداگانه متذکر شده است (نجاشی ص ۸۶ و فهرست طوسی ص ۳۷ و خلاصه و منتهی المقال).
- ابن عضائری، احمد بن حسین کتاب «الرجال الضعفاء» منسوب به اوست.
- ابویعلی خلیلی (م ۴۴۶ ق) «الارشاد» را تألیف نموده است.
- نجاشی، ابوالعباس، احمد بن علی (م ۴۵۰ ق) کتاب رجال او مشهور است.
- احمد عیاشی، ابن محمد، معاصر نجاشی «الاشتمال علی معرفة الرجال» و «من روی عن امام امام» از تألیفات اوست (نجاشی ص ۸۶).
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ ق) کتاب «اختیار الرجال»، «رجال الطوسی» و «الفهرست» از جمله تألیفات اوست.
- کتانی، ابو محمد بن عبدالعزیز (م ۴۶۶ ق) تکمله‌ای بر کتاب ابوسلیمان، محمد بن عبدالله، (زنده ۳۳۸ ق) نوشته است.
- عبدالله بن جارود، کتابش مدرک «استیعاب» است.
- عقیلی، محمد بن عمرو، کتاب «الصحابة» او مدرک «استیعاب» است.
- ابن ابی حاتم، ابو محمد، عبدالرحمن بن ابی حاتم بن ادریس بن مهران رازی، کتابش مدرک «استیعاب» می باشد.^۶
- الازرق کتابش مدرک «استیعاب» است.
- ابن عبدالبرّ، ابو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبرّ (۳۶۸-۴۶۳ ق) «الاستیعاب» را تألیف کرده که بسال ۱۳۱۸ ق در حیدرآباد چاپ شده است.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۳۹۲-۴۶۳ ق) بیشتر «تاریخ بغداد» را به شرح حال راویانی که به بغداد آمده‌اند اختصاص داده است.
- ابن فتحون، ابوبکر، محمد بن خلف (م ۵۱۹ یا ۵۲۰ ق) ذیلی برای

- «استیعاب» تألیف کرده است.
- شهاب‌الدین، احمد بن یوسف اردعی مالکی «استیعاب» را خلاصه کرده و «روضه الاحباب» نامیده است.
 - اکفانی، هبة الله بن احمد، بیست سال بر کتاب کتانی (م ۴۶۶ ق) افزوده و بسال ۴۸۵ ق رسانیده است.
 - سمعانی، عبدالکریم (۵۰۶-۵۶۲ ق) تکملة «تاریخ بغداد» و «تاریخ مرو» را نوشته است و «انساب» او در ۱۹۱۲ م جمع‌آوری و در لندن چاپ شده است.
 - ابوموسی اصفهانی، محمد بن ابوبکر بن عمر بن احمد مدینی (۵۰۱-۵۸۱ ق) برای کتاب ابن منده (۳۱۰-۳۹۵ ق) ذیلی نوشته است.
 - منتجب‌الدین، علی بن عبیدالله، بابویه (زنده ۵۸۵ ق) «الفهرست» و «تاریخ علماء الشیعة» را تألیف کرده که مجلسی آن را در پایان جلد بیست و پنجم «بحار الانوار» گنجانیده و با آن کتاب چاپ شده است.
 - ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م ۵۸۸ ق) ذیلی برای فهرست شیخ طوسی نوشت و «معالم العلماء» نامید که در تهران چاپ شده است.
 - ابن الجوزی، ابوالفرج، عبدالرحمن بن علی (م ۵۹۷ ق) «حلیة» ابونعیم اصفهانی را خلاصه کرده، «صفوة الصفوة» نامید، که در حیدرآباد، در دو بخش بسال ۱۳۵۵ ق چاپ شده است.
 - مقدسی، علی بن مفضل (م ۶۱۱ ق) دنباله کتاب اکفانی و کتانی (م ۴۶۶ ق) را بسال ۵۸۱ ق رسانید.
 - ابن بطریق، یحیی بن حسن بن حسین (م ۶۰۰ ق) علاوه بر کتاب «رجال الشیعة» (مشیخة صاحب ذریعه بنقل از لسان‌المیزان) تاریخی نیز تألیف کرده است. (ذریعه ج ۳ ص ۲۲۲).
 - ابن اثیر جزیری (۵۵۵-۶۳۰ ق) «أسد الغابة» را نوشته که در مصر بسال ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۶ ق چاپ شده است.

- ابن ابی طئی، یحیی بن حمید (یا حمیده) حلبی (م ۶۳۰ ق) «استیعاب» را تصحیح کرده است.
- عبدالعظیم عبدالقوی منذری (م ۶۵۶ ق) در کتاب «التکملة» تاریخ وفات راویان را در سه جلد بصورت سال به سال جمع آوری کرده است.
- قریش بن سبیع بن مهنّامدنی حسینی (م ۶۶۴ ق) «استیعاب» ابن عبدالبرّ و «طبقات» ابن سعد را خلاصه کرده و «المختار من الاستیعاب، والطبقات» نامیده است. (مشیخه صاحب ذریعه ص ۶۴)
- ابن طاووس، احمد بن موسی بن جعفر حلی (م ۶۷۳ ق) «حل الاشکال» را سال ۶۴۴ ق تألیف کرد، و در آن همه شرحهای پنج کتاب زندگینامه (کشی، نجاشی، فهرست، رجال طوسی، ضعفاء ابن غضایری) را گرد آورد. این کتاب در دست مولی عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) بوده و مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) نیز آنرا در دیباچه «بحار الانوار» از مدرکهای کار خود شمرده است. و در فهرست خطی کتابخانه راجه فیض آباد هند کتابی بنام «رجال ابن طاووس» دیده می شود ولی شاید منظور «تحریر طاووسی» کتاب صاحب معالم، حسن بن زین الدین (۹۵۹-۱۰۱۱) باشد. (ذریعه ج ۷ ص ۶۴ و منتهی المقال و غیره).
- عزالدین، احمد بن محمد، دنباله کتاب «التکملة» ی منذری (م ۶۵۶ ق) را سال ۶۷۴ ق رسانید.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (م ۶۷۶ ق) فهرست طوسی را خلاصه کرده، و نسخه آن در کتابخانه صدر در بغداد هست (مشیخه صاحب ذریعه ص ۶۶).
- ابن طاووس، عبدالکیم بن احمد بن موسی بن جعفر (۶۴۷-۶۹۳ ق) صاحب کتاب «الشمل المنظوم فی مصنفی العلوم» است (توضیح المقال ص ۶۱).
- ابن داود، حسن بن علی بن داود (۶۴۷- بعد از ۷۰۷ ق) کتاب رجال دارد و نسخه های آن فراوان در دسترس است.
- علامه حلی، ابو منصور، حسن بن یوسف (۶۴۸-۷۲۶ ق) «خلاصة الاقوال» و

«ایضاح الاشتباه» او چاپ شده است.

● بردالی، قاسم بن محمد دمشقی (م ۷۳۸ ق) در «التاریخ» وفات دانشمندان را سال بسال تا سال ۷۳۷ ق جمع آوری کرده است.

● ذهبی، شمس الدین، ابو عبدالله، محمد بن احمد بن عثمان (م ۷۴۸ ق) «أسد الغابة» را خلاصه کرده «تجرید اسماء الصحابة» نامید که در حیدرآباد بسال ۱۳۱۵ ق، در ۸۲۸ صفحه چاپ شده است.

● ابن اَبی بکر دمیاطی، احمد، ابو الحسین، ملقب به شهاب الدین (۷۰۰-۷۴۹ ق) «التکملة» مندری را از سال ۶۷۴ ق بسال ۷۴۹ ق رسانید.

● ابن رافع، تقی الدین، تکمله‌ای بر تاریخ بردالی نوشت و آن را از سال ۷۳۷ ق تا سال ۷۴۷ ق رسانید.

● ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر (۷۰۱-۷۷۴ ق) چند کتاب در این باره تألیف کرده است.

● ابن مُعَیَّه دیباجی، محمد بن قاسم بن حسین بن قاسم حلی (م ۷۷۶ ق) کتاب «معرفة الرجال» را تألیف کرده است. (عمدة الطالب چ نجف ص ۱۵۸).

● ابن المُلقَّن، عمر بن علی بن احمد، ابو حفص، سراج الدین (م ۸۰۴ ق) «طبقات حَمَلَة المذهب» دارد.

● زین الدین عراقی، عبدالرحیم (م ۸۰۶ ق) بر کتاب ابن اَبی بکر دمیاطی تکمله‌ای نوشت.

● بهاء الدین، علی نیلی حلی، ابن عبدالکریم (یا ابن عبدالحمید) استاد احمد بن فهد حلی (م ۸۴۱ ق) «کتاب الرجال» تألیف کرده و سید جمال الدین بن الاعرج عمیدی برای این کتاب ذیلی نوشته است و این کتاب به دست صاحب معالم رسیده، پس او تکمله را از کتاب ابن اعرج جدا کرده است؛ نسخه خطی صاحب معالم نزد صاحب روضات بوده و از آن نقل کرده است. (ذریعه ج ۳ ص ۳۴۱ و مشیخه صاحب ذریعه ص ۵۸).

● ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین، احمد بن علی (۷۷۳-۸۵۲ ق) «استیعاب» و تکملة ابن فتحون بر آن و «اسد الغابة» را در کتابی بنام «الاصابة» جمع‌آوری کرده، که در هشت بخش بسال ۱۳۲۳ ق در مصر چاپ شده است.

● سُیوطی، جلال‌الدین، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۸۴۹-۹۱۱ ق) «الاصابة» را خلاصه کرده و «عين الاصابة» نامیده است.

● شیخ علی بن حیدر علی قمی (از علماء قرن دهم ق) «خلاصه» علامه حلی را مرتب ساخته و «نهاية الأمال» نامیده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

● صاحب‌معالم، حسن بن «الشهيد الثاني» - نام شهید ثانی زین‌الدین است - (۹۵۹-۱۰۱۱ ق) «تحریر طاووسی»، و «ترتیب مشیخه من لایحضره الفقیه» را نوشته است. که نسخه‌های هر دو در کتابخانه‌ها دیده می‌شود.

● ملا مصطفی به دستور سلطان احمد عثمانی «استیعاب» را به ترکی ترجمه کرد ولی از حرف «ج» بیشتر نتوانست و درگذشت.

● طاش کبری زاده، کمال‌الدین محمد (م ۹۶۲ ق) آن را تا حرف «ر» ادامه داد.

● یوسف بن محمد بن زین‌الدین عاملی در ۹۲۸ ق «جامع الاقوال» را تألیف نمود و «رجال کشی» را نیز مرتب کرد.

● عبداللطیف حویزی، ابن علی بن شیخ احمد عاملی (م ۱۰۵۰ ق) شاگرد صاحب‌معالم (م ۱۰۱۱ ق) و شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) فهرست رجال «کتب اربعة» (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب، استبصار) را با ذکر طبقه، جمع‌آوری کرده است (توضیح‌المقال ص ۶۵).

● مولی‌عناية الله قهپائی، ابن شرف‌الدین علی، او نیز بسال ۱۰۱۶ ق مانند ابن طاووس کتابهای پنجگانه (کشی، نجاشی، ابن غضائری، رجال و فهرست) را به ترتیب الفباء در یک جا گردآورده «مجمع الرجال» نامید.

● قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ ق) «مجالس المؤمنین» دارد که چند بار

چاپ شده است.

● مولی عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) کتاب «الضعفاء» ابن غضائری را که در ضمن کتاب «حل الاشکال» ابن طاووس گنجانیده شده، بصورت کتاب مستقلى مرتب کرده است.

● مولی عبدالنبی جزائری ابن سعد (م ۱۰۲۱ ق) «حاوی الاقوال» را در چهار بخش بر حسب تقسیم‌بندی اصلی حدیث (صحیح، موثق، حسن، ضعیف) تألیف نموده و نسخه آن در کتابخانه‌های «صدر» و «کاشف الغطاء» و «مروی» هست.

● میرزا محمد استرآبادی، ابن علی بن ابراهیم (م ۱۰۲۱ ق) سه کتاب در شرح حال رجال حدیث تألیف نمود: بزرگ «منهج المقال» که در آن شرح حال ۶۶۶۵ تن آمده است (چ تهران ۱۰۳۶ ق با أمل الامال) متوسط «تلخیص المقال» کوچک «الوجیز» که نسخه آن در آستان قدس رضوی هست.

● خداوردی افشار، فرزند قاسم از شاگردان مولی عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) «زبدة الرجال» را نوشته است. (توضیح المقال ص ۶۵ از ریاض العلماء).

● میرزا فیض الله تفرشی، ابن عبدالقاهر حسینی (م ۱۰۲۵ ق) کتابی در رجال مانند «نقد الرجال» میرمصطفی تفرشی داشته است (مشیخه صاحب ذریعه ص ۴۸).

● میرمصطفی تفرشی، فرزند سید حسین حسینی معاصر شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) و مجلسی (م ۱۰۷۰ ق) و شاگرد مولی عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) کتابی بنام «نقد الرجال» نوشته که چاپ شده است.

● نظام‌الدین قرشی ساوجی، شاگرد شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) «نظام الأقوال فی معرفة الرجال» را نوشته است.

● شیخ حسن بن علی عاملی (م ۱۰۳۵ ق) مؤلف «نظم الجمان فی تاریخ الاکابر و الاعیان» است، که به چاپ رسیده است.

- شیخ محمد نجفی، ابن جابر بن عباس، استاد طریحی (م ۱۰۸۵ ق) و شاگرد شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) «الکنی واللقاب» و «اسماء الرجال» داشته است (مشیخة صاحب ذریعه ص ۱۲).
- قطب‌الدین اشکوری لاهیجی، فرزند علی، معاصر میرداماد (م ۱۰۴۰ ق) کتاب «محبوب القلوب» را نوشته است (توضیح‌المقال ص ۶۵).
- میرداماد، محمد باقر بن محمد استرآبادی حسینی اصفهانی (م ۱۰۴۰ ق) کتابی درباره روش شرح حال‌نویسی بنام «الرواشح السماویة» دارد که ۳۹ راسحه آن تا به امروز باقی مانده و چاپ شده است.
- مجلسی اول، محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی (م ۱۰۷۰ ق) مشیخة کتاب «من لایحضره الفقیه» از شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) را شرح داده است.
- طریحی، فخرالدین بن محمد علی بن احمد خفاجی مُسیلمی (م ۱۰۸۵ ق) کتابی بنام «جامع‌المقال» در دوازده باب تألیف نموده و باب دوازدهم آن را که برای تمییز و شناخت اسامی مشترک است، شاگرد او محمد امین کاظمی شرح داده است؛ و نیز خلاصه علامه حلی را مرتب ساخته است (توضیح‌المقال ص ۶۵).
- محمد امین کاظمی شاگرد طریحی (م ۱۰۸۵ ق) باب دوازدهم جامع‌المقال استاد خویش را شرح داده و بنام «مشترکات کاظمی» معروف است.
- آقا رضی قزوینی، محمد بن حسن (م ۱۰۹۶ ق) تاریخ علماء قزوین را بنام «ضیافة الأخوان» تألیف نموده است. (توضیح‌المقال ص ۶۵).
- کمال‌الدین حسینی حلبی، مؤلف «کتاب‌الرجال» است (امل‌الآمل و سلافة‌العصر و توضیح‌المقال ص ۶۵).
- آقا حسین خوانساری، ابن جمال‌الدین محمد (م ۱۰۹۹ ق) کتابچه‌ای در تاریخ وفات علما تألیف نموده است (توضیح‌المقال، ص ۶۵).
- شیخ حُر عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق) «امل‌الآمل» و «تذکرة العلماء المتأخرین» را نوشته است.

- شیخ فرج الله حویزی، فرزند محمد فرزند درویش، معاصر شیخ حر عاملی، در کتاب «ایجازالمقال» خود زندگانی علماء معاصر و متقدمین را در دو بخش شرح داده است؛ یکی برای علمای شیعه و دیگری برای علمای عامّه.
- محدث توبلی، سید هاشم فرزند سلیمان کتکانی (م ۱۱۰۷ ق) «تنبیح الاریب» و «ایضاح المسترشدین» و «روضه العارفین» نوشته است.
- محمد صالح خاتون آبادی اصفهانی (۱۰۵۸-۱۱۱۶ ق) خواهرزاده مجلسی دوم «حدائق المقربین» دارد.
- علی بن احمد بن محمد معصوم دشتکی، معروف به «سید علی خان» مدنی، (۱۰۵۲-۱۱۲۰ ق) کتابهای «سلافة العصر» چ مصر، و «الدرجات الرفیعة فی طبقات الامامیة» و «احوال الصحابة» تألیف اوست.
- میرزا عبدالله افندی، فرزند میرزا عیسی (۱۰۶۶-۱۱۳۱ ق) «ریاض العلماء» را در ده بخش تألیف کرده، که متأسفانه پنج بخش آن از بین رفته است.
- مولی محمد اردبیلی، فرزند علی حائری، شاگرد مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) کتابی بنام «جامع الرواة» در شرح «تلخیص المقال» میرزا محمد استرآبادی تألیف کرده، که بسال ۱۳۷۶ ق در تهران چاپ شده است.
- شیخ سلیمان ماحوزی، ابن عبدالله (۱۰۷۰-۱۱۲۱ ق) کتابی بنام «تراجم علماء البحرین» تألیف کرده است (ذریعه ج ۳ ص ۲۶۶) و شرحی بر فهرست شیخ طوسی بنام «المعراج» دارد که تا حرف «ت» به قلم خودش نوشته شده، و کتابچه‌ای درباره خاندان بابویه نیز دارد (توضیح المقال ص ۶۱)
- مولی محمد جعفر خراسانی، ابن محمد طاهر (۱۰۸۰ بعد از ۱۱۵۱ ق) کتابی بنام «اکلیل المنهج» به مثابه ذیلی بر «منهج المقال» میرزا محمد استرآبادی تألیف نموده است. (ذریعه ج ۲ ص ۲۸۱).
- علی بن عبدالله بحرینی (م ۱۱۲۷ ق) فهرست شیخ طوسی را مرتب ساخته است. (توضیح المقال به نقل از سلافة العصر و ذریعه ج ۴ ص ۶۶ بنقل از

لؤلؤة البحرين

- میرزا محمد اخباری، ابن عبدالنبی نیشابوری (م ۱۱۳۲ ق) کتابی بزرگ در رجال تألیف کرده است (توضیح‌المقال ص ۶۵).
- عبدالله سماهیجی (م ۱۱۳۵ ق) «تحفة الرجال و زبدة الأقوال» و «ارتیاد ذهن النبیه فی شرح اسانیدالفرقیه» دارد (توضیح‌المقال ص ۶۵ و ذریعه ج ۱ ص ۴۳۸ و ۵۱۴ و ج ۳ ص ۴۳۳).
- شیخ یاسین بحرینی (م ۱۱۴۵ ق) کتابی بنام «معین النبیه فی رجال من لایحضره الفرقیه» تألیف نموده است (مشیخه صاحب ذریعه ص ۹).
- میر محمد ابراهیم، فرزند میرمعصوم قزوینی (م ۱۱۴۵ ق) «تفهیم امل‌الآمل» تألیف کرده است (ذریعه ج ۳ ص ۳۳۷ و توضیح‌المقال ص ۶۵).
- رضی‌الدین بن سید محمد بن علی عاملی موسوی (۱۱۰۳-۱۱۶۸ ق) کتابی بنام «اتحاف ذوی الالباب» در لقبهایی که با «یاء نسبت» پایان یافته است تألیف کرده و آن را تکملة کتاب ابن اثیر و «اللباب» سیوطی قرار داده است (ذریعه ج ۱ ص ۸۲).
- محمد بن علی بلادی بحرینی - معاصر شیخ یوسف بحرینی، صاحب «لؤلؤة البحرين» (م ۱۱۸۶ ق) - «تتمیم امل‌الآمل» نوشته است.
- شیخ یوسف البحرانی، ابن احمد (م ۱۱۸۶ ق) کتابی بنام «لؤلؤة البحرين» تألیف کرده که برای شناسایی سلسله سند روایت «معنعن» از قرن دوازدهم تا قرن اول هجری بهترین نمونه می‌باشد و مکرراً چاپ شده است.
- سید حسین قزوینی، فرزند محمد فصیح، فرزند میراولیا (م ۱۲۰۸ ق) در جلد اول «معارض الأحكام» گزیده‌ای از «جامع الرواة» اردبیلی را گنجانیده است. و نیز کتابی بنام «المشترکات» دارد (مشیخه صاحب ذریعه ص ۸). حاجی نوری در تکملة «توضیح‌المقال» ص ۶۵ او را فرزند ابراهیم شمرده است.
- عبدالنبی بن محمد تقی قزوینی، معاصر بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق) تکمله‌ای برای «امل‌الآمل» بسال ۱۱۹۱ ق به درخواست بحرالعلوم تألیف کرده است.

● سید محمد مهدی بحر العلوم بروجردی نجفی، فرزند مرتضی (۱۱۵۴-۱۲۱۲ ق) «فوائد الرجالیة» دارد (توضیح المقال و ذریعه).

● ابوعلی، محمد بن اسماعیل (۱۱۵۹-۱۲۱۵ ق) «منتهی المقال» را تألیف کرده است.

● سید احمد کاظمی، کتاب منظومه در رجال از تألیفات وی می باشد. (توضیح المقال ص ۶۵)

● داود بن حسن جزائری. کتابهای «اختیارالرجال» کشی و «رجال نجاشی» را مرتب ساخته است (توضیح المقال ص ۶۵ و ذریعه ج ۴ ص ۶۶ و ۶۷).

● محمد طاهر بن محمد طالب حسینی اردبیلی کتابی شگفت در رجال دارد که بخشی از کتاب «شجرة مبارکه» او می باشد (توضیح المقال ص ۶۵).

● مولی درویش علی حائری، شاگرد ابوعلی رجالی مذکور، کتابی در دنباله رجال استاد خویش تألیف کرد و در آن راویان مجهول و دیگر کسانی را که استادش ذکر نکرده بود جمع آوری کرده است (ذریعه ج ۴ ص ۴۱۳ و توضیح المقال ص ۶۵).

● سید محسن اعرجی کاظمینی (۱۱۳۰-۱۲۲۷ ق) کتابی بنام «عدة الرجال» دارد.

● سید عبدالله شبر فرزند محمدرضا (م ۱۲۴۲ ق) کتابی بنام «جامع المقال» نوشته و سپس آنرا خلاصه کرده «ملخص المقال» نامیده است و نسخه اش در کتابخانه آیت الله شهاب الدین مرعشی نجفی در قم موجود است. (ذریعه ج ۵ ص ۷۳).

● محمد علی فرزند قاسم، آل کشکول، شاگرد صاحب فصول، و شریف العلماء، کتابی بنام «اکمال منتهی المقال» در تمیم «منتهی المقال» ابوعلی بسال ۱۲۴۵ ق نوشته و مانند مولی درویش علی، راویان مجهول را که بوعلی ذکر نکرده بود در آن جمع آوری کرده است، و کتاب دیگرش بنام «التنبیهاة السنیة» در اصطلاحات

علماء رجال و شرح حال نویسان و همچنین کتابی بنام «حديقة الانظار» در مشيخة تهذيب، استبصار و من لا يحضر، دارد.

● سيد محمد باقر، حجة الاسلام شفتي (۱۱۷۵-۱۲۶۰ ق) بيست و يك كتابچه درباره زندگي بيست و يك تن از راويان معروف تأليف کرده، و نيز كتابي بنام «تميز مشتركات الرجال» دارد.

● شيخ عبدالنبي كاظميني، ابن علي بن احمد، كليدار كاظمين (م ۱۲۵۶ ق) تكملة اي بر «نقد الرجال» ميرمصطفى تفرشي نوشته است. (ذريعه ج ۴ ص ۴۱۷)
● شيخ مرتضى انصاري، ابن محمد امير شوشتری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق) نيز كتاب رجال دارد (توضيح المقال ص ۶۶).

● ملاعلي كني تهراني (۱۲۲۰-۱۳۰۶ ق) كتابي بنام «توضيح المقال» تأليف نموده و آن را خود بسال ۱۲۹۹ ق تا ۱۳۰۲ ق همراه با رجال بوعلی «منتهی المقال» و «امل الأمل» چاپ کرده و در آن اسامي شصت تن ديگر را بر آن افزوده و شمارة شرح حال نویسان را به صد و بيست نفر رسانيده است و سپس حاج آقا بزرگ تهراني صاحب الذريعه كتابي جداگانه در زندگينامه كساني كه تألفي در علم رجال داشته‌اند، فراهم نموده است.

● ابراهيم بن حسين دُنبلي خويي (۱۲۴۷-۱۳۲۵ ق) كتابي در رجال مشتمل بر يك مقدمه و شش بخش تأليف کرده است. (توضيح المقال ص ۶۷).

● حاجي نوري، حسين بن محمد تقی (۱۲۵۴-۱۳۲۰ ق) «خاتمة المستدرک» او درباره زندگي راويان حديث مي باشد و در تهران بسال ۱۳۲۰ ق چاپ شده است.

● محمد طه نجف (۱۲۴۱-۱۳۲۳ ق) ابن مهدي نجفي كتابي بنام «اتقان المقال» تأليف کرده و در آن راويان را در سه بخش: «ثقات» «حسان» «ضعاف» جمع آوري کرده است. اين كتاب در نجف بسال ۱۳۴۱ ق چاپ شده است.

● مامقاني، شيخ عبدالله (م ۱۳۵۰ ق) فرزند شيخ حسن «تنقيح المقال» را در سه بخش تأليف کرده که در سال وفات مؤلفش در نجف چاپ شده است. در اين كتاب

شرح حال شانزده هزار و سیصد و هفت راوی آمده است.

● سید محسن عاملی (م ۱۳۷۰ ق) «اعیان الشیعة» را تألیف کرده که در سوریه به چاپ رسیده است.

● حاج آقا بزرگ تهرانی، صاحب «الذریعة» زندگی علمای هر قرن هجری را کتابی جدا ترتیب داده ولی از علماء سه قرن اول که کتابهای بسیار درباره ایشان نوشته شده است یاد نکرده، و نیز او کتابی در تاریخ علم رجال تألیف کرده و در آن زندگینامه ششصد تن از شرح حال نویسان علماء رجال را آورده و «مصفی المقال» نامیده است و سپس سلسله اسناد روایت خود را از میان دانشمندان شرح حال نویس برگزیده، و کتابچه‌ای بنام «الاسناد المصطفی» تهیه نموده و در نجف بسال ۱۳۵۶ ق چاپ کرده است.

مآخذ:

۱. تعیین این تاریخ به اعتماد گفته علامه بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه است (ج ۱۰، ص ۸۴) ولی با توجه به اینکه عبیدالله تا پایان قرن اول هجری در قید حیات بوده (تقریب التهذیب) این گفته بی دلیل می‌نماید، مگر اینکه تألیف وی در همان سالهای حدود چهل باشد.

۲. الذریعه (ج ۱۰، ص ۹۹ و الاسناد المصطفی ص ۷۹) آنچه درباره مؤلف این کتاب گفته شد، نظر علامه تهرانی است در کتاب ارجمند و معروف الذریعه و هم در رساله مشیخه ایشان که به الاسناد المصطفی معروف است. و او نیز در این نشر، دنباله‌رو نجاشی و شاید بعضی دیگر از ائمه رجال است. گروه دیگری این کتاب را به پدر وی، ابو عبدالله محمد بن خالد البرقی، منسوب کرده‌اند. ولی محقق رجالی معاصر، شیخ محمد تقی شوشتری، صاحب کتاب قاموس الرجال، این هر دو قول را مردود شمرده و مؤلف طبقات الرجال را به قرینه طبقه روایتی، عبدالله بن احمد البرقی - از مشایخ روایت کلینی - یا احمد بن عبدالبرقی - از مشایخ صدوق ثانی - دانسته

و باز در میان این دو احتمال، دومین را به صواب نزدیکتر شمرده است. برای تفصیل ر.ک. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۱-۳۲.

۳. فهرست نجاشی، چاپ سربی، تهران ص ۱۶۰، النشر الاسلامی، قم ص ۲۱۶. این تاریخ در قاموس الرجال به نقل از فهرست نجاشی ص ۲۲۹ ضبط شده که با مراجعه به دو نسخه چاپی نجاشی و هم برخی کتب دیگر که آن را از نجاشی نقل کرده‌اند مانند: الذریعه و تأسیس الشیعه، اطمینان به قوع اشتباه برای صاحب قاموس یا مامقانی صاحب رجال (که قاموس تقریباً حاشیه‌ای بر آن است) حاصل می‌شود.

۴. مولی محمدبن علی اردبیلی (که در ۱۰۹۸ ق از مجلسی اجازه نقل حدیث دارد) در مقدمه «جامع الرواة» گوید: و به برکت این کتاب من قریب به دوازده هزار حدیث که تاکنون «ضعیف»، «مجهول» و «مرسل» خوانده می‌شد، «صحیح» و مسند بشمار خواهد آمد.

۵. الذریعه ج ۳ ص ۲۲۴ دیده شود.

۶. این کتاب در شش بخش و یک بخش مقدمه بنام «الجرح والتعديل» در حیدرآباد چاپ شده است و شرح حال بیست هزار نفر را در بر دارد؛ خطیب بغدادی کتابی بنام «اوهام الجمع والتفریق» درباره آن نوشته است.